
اقتصاد شکننده دهقانان خرده پا

دکتر سیاوش مُریدی



سه کالای اصلی کشاورزی ایران یعنی گندم، جو و برنج را گروه بزرگی از کشاورزانی می‌کارند که بیشتر اقتصادی خرد دارند. این وضعیت آنان را در برابر نوسانات بازار و نیز رقابت خارجی بسیار شکننده کرده است. علاوه بر این بیشتر این افراد به دلیل نداشتن امنیت غذایی، در جهت تامین معاش خود تلاش می‌کنند. و از نظر تغذیه نیز در شرایط نامطلوبی به سر می‌برند یعنی درحالی که به کارهای بدنی سنگین اشتغال دارند، مجبورند کالری مورد نیاز خود را عمدتاً از غلات تامین کنند. گسترده‌گی آنها در سراسر کشور و همچنین توان بالقوه آنان در تولید ایجاب می‌کند که دولت چتر حمایتی خود را بر سر آنها بپهن کند. این حمایت باید به گونه‌ای باشد که افزایش تولید و در نتیجه بیرون آمدن آنها از گردونه فقر را در پی داشته باشد.

طی دوره‌ای طولانی مسئله فقر و پایان دادن به گرسنگی در سطح جهان بویژه در کشورهای درحال توسعه مطرح بوده است و هنوز نیز جامعه بشری درگیر این معضل است. فقر در اینجا می‌تواند از دو جنبه مطرح شود: نخست مفهوم فقر مطلق است که می‌تواند به‌عنوان ناتوانی یک فرد در تامین حداقل نیازهایی که صرفاً برای بقای فیزیکی وی ضرورت دارد، تعبیر شود؛ و دوم مفهوم فقر نسبی است که آن را می‌توان به‌عنوان ناتوانی فرد در تامین حداقل استاندارد جاری سطح زندگی تعریف کرد. روشن است که هر مطالعه‌ای در این زمینه و تشخیص افراد فقیر در یک جامعه معین، نیاز به تعیین خط فقر در همان جامعه دارد تا بدان وسیله بتوان توان یا ناتوانی افراد جامعه مزبور را در زمینه تامین معاش خود محک زد.

صرف نظر از جنبه‌های فنی برای مطالعه و تشخیص فقر و فقیران که در شماری از محافل بین‌المللی به‌عنوان اقبال آسیب‌پذیر نامیده می‌شوند و همچنین با توجه به مشکلات پیچیده‌ای که احتمالاً در سر راه تعیین خط فقر وجود دارد، یک نکته را باید پذیرفت و آن این که: در جهان امروز پیوسته بر شمار افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند افزوده می‌شود و سهم بزرگی از این افراد به روستاها تعلق دارند. به سخن دیگر پدیده فقر در روستاها متمرکز شده است. طبق گزارش بانک عمران آسیا، حدود یک میلیارد نفر فقیر در جهان زندگی می‌کنند که ۹۳۹ میلیون نفر از آنان روستائیند. همین گزارش برآورد می‌کند که به رغم کاهش قدر نسبی کسانی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، قدر مطلق آنان در حال افزایش است و تا سال ۲۰۰۰ میلادی احتمالاً به حدود ۱/۵ میلیارد نفر خواهد رسید. (۱) این فرایند تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل مرتبط به یکدیگر قرار دارد که از آن جمله می‌توان به میزان بالای رشد جمعیت، مالکیت خرد، چند پارچه بودن بهره‌بردارهای کوچک، بازدهی پائین، کمبود یا ضعف خدمات ضروری، ناکارآمدی بازارهای نهاده‌ها و محصولات اشاره کرد. چنین به نظر می‌رسد که این عوامل در آسیا بیش از دیگر مناطق جهان مؤثر است چون بنابه گزارش بانک عمران آسیا بیش از ۶۳ درصد فقیرهای جهان در آسیا زندگی می‌کنند. (۲)

چنین پیداست که ایران نیز به‌عنوان یکی از کشورهای درحال توسعه از این معضل بدور نباشد چون بسیاری از عواملی که به‌طور معمول به‌عنوان عوامل مؤثر در گسترش فقر برشمرده می‌شوند، در ایران هم وجود دارد مانند افزایش شدید جمعیت، (۳) کوچک بودن اندازه

بهره برداریها، بازدهی نازل آنها(۴)، چند پارچه بودن بهره برداریهای کوچک و همچنین کمبود انواع خدمات. در عین حال، پیچیده بودن موضوع فقر و تعیین خط آن، مطالعات کاربردی را با مشکلات زیادی روبرو می کند. مثلاً تعیین خط فقر مستلزم آن است که بیان دقیقی از اجزای متشکله سطح زندگی (مانند غذا، بهداشت، آموزش، پوشاک، سوخت، حمل و نقل، و غیره) داشته باشیم و علاوه بر آن سطح حداقل برخورداری از هر یک از اقلام مزبور نیز باید روشن و مورد قبول باشد. با توجه به این پیچیدگی، در مقاله حاضر تلاش شده است در گستره امکانات موجود، برخی از جنبه های یاد شده در ایران بررسی شود. در این مطالعه به طور مشخص این هدفها دنبال می شوند: نشان دادن گستردگی فقر و آسیب پذیری در کشاورزی ایران، اهمیت نسبی گروه های فقیر در تولید و اشتغال، و ضرورت حمایت از آنان. برای این منظور، نخست توزیع زمین بررسی می شود چون بسیاری بر این باورند که در روستا زمین محور اصلی زندگی اجتماعی - اقتصادی است. سپس، جنبه های دیگر فقر مانند آموزش و تغذیه نیز در همین ارتباط بررسی خواهند شد.

(۱) زمین و زمینداری در ایران

بسیاری از صاحب نظران پذیرفته اند که در روستا (و در کشاورزی)، زمین می تواند در شرایط عادی ملاک اصلی درآمد و مرتبه اجتماعی روستاییان قرار گیرد هر چند که هرگز نباید آن را به عنوان تنها ضابطه به شمار آورد. (۵) این ملاک یعنی میزان مالکیت بر زمین، به یقین از لحاظ دیگری نیز ویژگی و اهمیت خاص خود را دارد. به این معنی که با طبقه بندی بهره برداریها به تفکیک سطح زیر کشت می توان به نقش و اهمیت نسبی گروه های بهره برداری در عرضه کل محصولات نیز پی برد. روشن است که پی بردن به این نکته در هنگام سیاست گذاری برای تنظیم میزان تولید کاربرد پیدا می کند.

از سوی دیگر، به کارگیری این ملاک، به دلیل تنوع آب و هوایی، نوع محصول و غیره، نارساییهای خاص خود را دارد که نیازی به ذکر آنها نیست. به منظور پرهیز از این نارسایی و به قیمت محدود کردن دامنه موضوعی مقاله، صرفاً سه محصول یعنی گندم و جو و برنج در سه گروه و به تفکیک بررسی خواهند شد. ایجاد این محدودیت کالایی به همان اندازه موجب

کوچکتر شدن دامنه موضوعی کار نمی شود چون سهم بزرگی از زمینهای زیرکشت به گندم و جو و سپس به برنج اختصاص دارند. برطبق نتایج سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ از مجموع زمینهای آبی حدود ۳۷ درصد به کشت گندم، ۱۸٪ به کشت جو و ۹٪ هم به کشت برنج اختصاص داشت؛ و در دیمکاری هم هرچند برنج سهمی ندارد ولی گندم و جو زمینهای گسترده ای را زیرپوشش خود دارند به این معنی که در همان سال، گندم و جو به ترتیب ۶۵ درصد و ۲۴ درصد اراضی دیمکاری را به خود اختصاص داده بودند. (۶) به این ترتیب دیده می شود که مساحت وسیعی از زمینهای کشاورزی ایران زیر کشت این محصولات استراتژیک است که غذای اصلی مردم را تشکیل می دهند.

از اینرو می توان نتیجه گرفت که بررسی تفکیکی و تطبیقی اقتصاد کشت این سه محصول در واحدهای بهره برداری دهقانی بتواند به روشن کردن پاره ای از ویژگیهای اقتصادی و درآمدی این واحدها کمک کند.

الف) گندمکاران

همان طور که در بالا گفته شد، سهم بزرگی از زمینهای کشاورزی ایران زیر کشت گندم قرار دارد؛ و علاوه بر آن شمار گندمکاران نیز درصد مهمی از کل بهره بردارها را تشکیل می دهد. در مجموع ۲۸۱۸۰۹۰ بهره برداری در سطح کشور، حدود ۱۷۶۲۱۵ واحد گندمکار وجود دارد. ولی توزیع زمین میان این گروه عظیم بهره بردار بشدت ناموزون است. چنانچه در جدول شماره یک می توان دید حدود ۵۱ درصد از گندمکاران زیر ۵ هکتار زمین دارند و سهم آنان از کل زمینهای گندمکاری به حدود ۱۷ درصد می رسد. در برابر این گروه، بهره بردارهای میانی یعنی واحدهای با وسعت ۵ تا کمتر از ۱۵ هکتار قرار دارد که قدر نسبی تعداد و مساحت زیر کشت آنان تقریباً متوازن است؛ در حالی که بهره بردارهای بالاتر از ۱۵ هکتار به رغم شمار اندک خود سهم بزرگی حدود بیش از ۴۶ درصد از اراضی را در اختیار دارند. نمودار شماره یک توزیع زمین بین گندمکاران را به روشنی تصویر می کند. این نابرابری به یقین بر درآمد حاصل از گندمکاری آنان نیز بشدت اثر می گذارد. یعنی اگر میانگین عملکرد در هکتار را برای این کشاورزان در نظر گیریم (جدول شماره ۲) و بر پایه قیمت تضمینی هر تن گندم (معادل ۲۶۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۷۳) (۷)

محاسبه کنیم، به این نتیجه خواهیم رسید که گروه عظیمی از گندمکاران کشور درآمد بسیار اندکی از محل کشت گندم به دست می آورند.

این درآمد اندک از هر هکتار گندمکاری برای کشاورزان خرده پا و پایبندی آنان به ادامه کشت چند نکته را آشکار می کند: نخست، آنان لزوماً و بناچار بکار دیگری هم اشتغال دارند و درآمد حاصل از کشت گندم در حقیقت درآمد فرعی آنان را تشکیل می دهد؛ دوم، پایبندی آنان به تولید گندم بیشتر می تواند جنبه خود مصرفی داشته باشد چون کشت مستقلاً این محصول را در حقیقت نوعی تضمین برای تامین ماده اصلی غذایی خود می دانند (۸)؛ و سوم، اقتصاد این بهره بردارها از نظر اشتغال اهمیت دارد.

از سوی دیگر، اگر گندمکاران را به تفکیک طبقات بهره برداری بررسی کنیم، به این نتیجه خواهیم رسید که تولیدکنندگان خرد (تا ۵ هکتار) به رغم شمار زیاد خود، سهمی حدود ۲۱ درصد کل تولید را در دست دارند در حالی که طبقات دیگر، و بویژه گروههای میانی از ۵ تا ۱۵ هکتار، سهم بسیار بالاتری دارند که به حدود ۳۵٪ کل تولیدات کشور می رسد. بهره بردارهای بزرگتر از ۱۵ هکتار بقیه تولید یعنی حدود ۴۵ درصد دیگر را عرضه می کنند. این ساختار مشارکت در عرضه گندم داخلی نشان می دهد که به عکس بسیاری از دیگر کشورهای در حال توسعه که تولیدکنندگان خرده پا سهم بزرگی در تولید و صادرات (محصولات فروشی) (۹) دارند، (۱۰) گندمکاران کوچک ایرانی عمدتاً در حد تامین معاش خود دست به تولید این محصول استراتژیک می زنند. به منظور بیان عمیقتر این نکته، نمودار شماره ۲ تهیه شده است که به روشنی سهم هر گروه از بهره بردارها در کل عرضه داخلی را تصویر می کند. این وضعیت خاص گندمکاران خرده پا شرایطی را به طور بالقوه فراهم آورده است تا آنان در مقایسه با کشاورزان بسیاری از کشورهای در حال توسعه که سهم بزرگی در تولید و صادرات دارند، ضربه پذیری کمتر باشند. بدین معنی که چون نقش آنان در عرضه کل (و صادرات) ناچیز است، احتمالاً می توانند مورد کم توجهی دولت قرار گیرند بویژه اگر در محافل تصمیمگیری و سیاستگذاری، فرایند فقرزدایی همسان اقتصاد رفاه تلقی شود. این چارچوب فکری و همچنین احساس بی نیازی به تولید کشاورزان خرده پا (۱۱) که در قالب سیاستهای گوناگونی مانند سیاست قیمت تثبیتی نمود می یابد، موجب می شود تا آنها پیوسته در برابر سیاستهای دولت واکنش منفی نشان دهند و در

تولید گندم به سوی اقتصاد معیشتی گرایش پیدا کنند. مطالعه تجربه دهه ۱۳۶۰ می تواند بسیار سودمند باشد: دولت با هدف جلوگیری از افزایش بی رویه قیمتها و حفظ قدرت خرید مصرف کنندگان شهری، خرید گندم را به انحصار خود درآورده بود و قیمت آن را هر سال در چارچوب سیاست تثبیتی اعلام می داشت. این قیمت در حدی تعیین می شد که فروش گندم به دولت صرفه اقتصادی نداشت هر چند کشاورزان از برخی سوسیدهای دولتی برخوردار می شدند. واکنش کشاورزان بویژه دهقانان خرده پا در برابر این سیاست، منفی بود. بیشتر آنان گرایش به طفره رفتن از فروش به دولت داشتند و به تولید این محصول فقط در حدی توجه نشان می دادند که بتواند معاش آنان را تامین کند. از اینرو افزایش عملکرد در هکتار در این قبیل بهره برداریها در شمار هدفهای نخستین قرار نداشت، و سرانجام این واحدهای بهره برداری سرمایه و نیروی خود را به حوزه های تولیدی دیگر (اعم از کشاورزی یا غیرکشاورزی) سوق می دادند. در این دوره اگرچه دولت مبالغ کلانی برای سوسید انواع نهاده های کشاورزی می پرداخت، لیکن تثبیت قیمتها این اقدام را خنثی می کرد و موجب دوری تولیدکنندگان از تخصیص بهینه منابع می شد. شاید بهمین دلیل است که بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۰ درباره کشورهای در حال توسعه، سد اصلی در راه فقرزدایی را دسترس به منابع مالی، انسانی و سرمایه ای نمی داند بلکه کم توجهی حکومتها، افراد و سازمانها را به عنوان مانع عمده تلقی می کند.

از سوی دیگر، عوامل دیگری را نیز می توان نام برد که اقتصاد شکننده کشاورزان خرده پا را زیر فشار قرار می دهند مانند نوسانات فصلی و سالانه قیمت محصولات کشاورزی، تورم لجام گسیخته، هزینه فرصت کشاورزان خرده پا در بخش کشاورزی (مانند کشت انواع صیفی به جای گندم) و در بخش غیرکشاورزی (مانند کار در شهرها به جای کشاورزی) و غیره. در برخی از این زمینه ها آمارها کاملاً گویاست. مثلاً بر طبق داده های اداره کل آمار و اطلاعات وزارت کشاورزی، درآمد حاصل از کشت برخی محصولات مانند هندوانه، پیاز و سیب زمینی در شماری از استانها حتی به چندین برابر درآمد حاصل از کشت گندم می رسد (۱۲)؛ و یا مقایسه آمار روند قیمت گندم با روند قیمت پوشاک و کفش نشان می دهد که طی دوره ۶۷-۱۳۶۱، قیمت پوشاک و کفش در حدود ۲/۵ برابر قیمت گندم افزایش پیدا کرد. (۱۳)

اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه فقر و آسیب پذیری روستایی

جدول شماره ۱

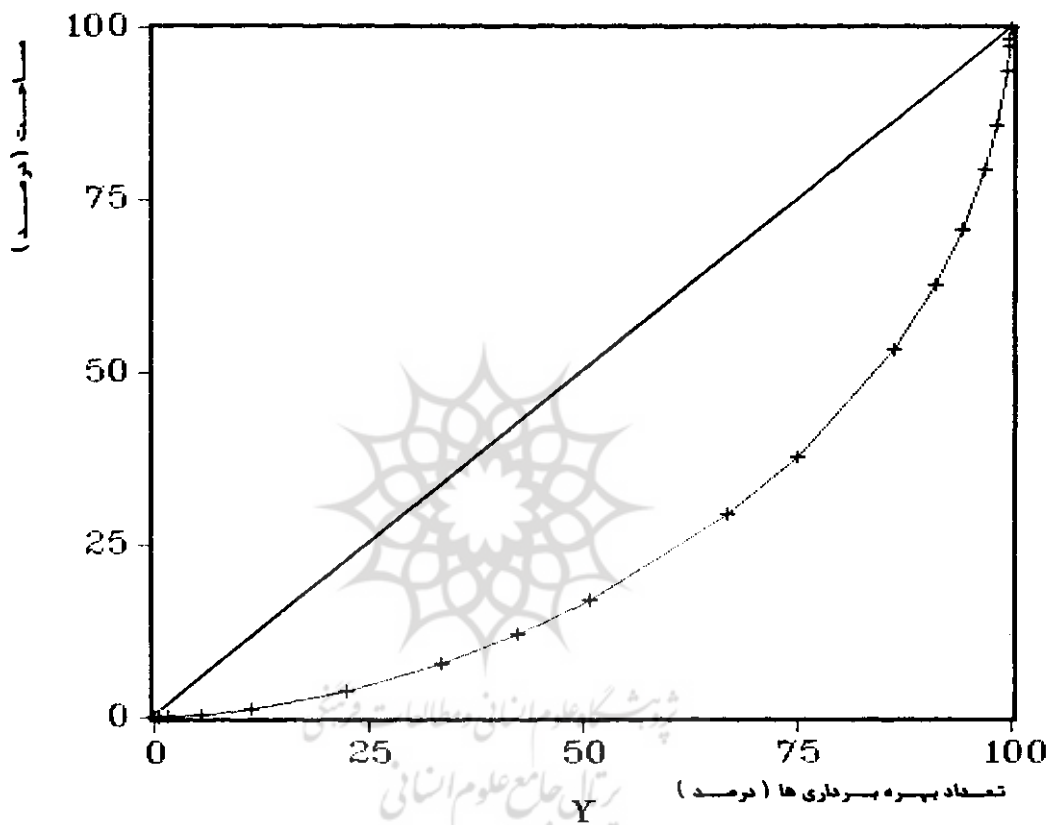
وضعیت گندمکاران به تفکیک بهره‌دارها در سال ۱۳۶۷

مساحت (درصد)	تعداد (درصد)	مساحت (ده هکتار)	تعداد (ده بهره‌داری)	بهره‌دارها
—	۰/۵	۲۳۲	۹۸۹	کمتر از ۱ هکتار
—	۱/۱	۳۳۲	۱۹۰۴	۱ تا کمتر از ۲ هکتار
۰/۲	۳/۸	۱۵۷۶	۶۶۷۸	۲ تا کمتر از ۵ هکتار
۰/۸	۵/۸	۴۰۴۸	۱۰۱۹۷	۵ تا کمتر از ۱ هکتار
۲/۶	۱۱/۲	۱۴۱۶۷	۱۹۷۸۴	۱ تا کمتر از ۲ هکتار
۳/۹	۱۰/۸	۲۱۰۲۸	۱۹۰۶۲	۲ تا کمتر از ۳ هکتار
۴/۳	۹/۴	۲۳۱۳۶	۱۶۱۱۳	۳ تا کمتر از ۴ هکتار
۴/۹	۸/۴	۲۶۴۲۰	۱۳۷۵۰	۴ تا کمتر از ۵ هکتار
۱۲/۵	۱۶/۱	۶۷۶۰۲	۲۸۴۴۵	۵ تا کمتر از ۷۰۵ هکتار
۸/۳	۸/۰	۴۴۹۸۳	۱۴۲۱۸	۷۰۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار
۱۵/۶	۱۱/۳	۸۴۲۸۴	۱۹۸۴۴	۱۰ تا کمتر از ۱۵ هکتار
۹/۴	۴/۸	۵۰۴۳۹	۸۵۴۸	۱۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار
۸/۱	۳/۲	۴۲۸۷۰	۵۷۲۴	۲۰ تا کمتر از ۲۵ هکتار
۸/۷	۲/۶	۴۶۷۳۰	۴۶۳۹	۲۵ تا کمتر از ۳۵ هکتار
۶/۴	۱/۴	۳۴۱۳۰	۲۴۶۶	۳۵ تا کمتر از ۵۰ هکتار
۷/۹	۱/۲	۴۲۶۷۲	۲۰۸۵	۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار
۳/۶	۰/۳	۱۹۱۷۹	۵۸۹	۱۰۰ تا کمتر از ۲۰۰ هکتار
۰/۸	—	۳۷۱۷	۸۴	۲۰۰ تا کمتر از ۳۰۰ هکتار
۱/۷	—	۹۱۶۷	۹۵	۳۰۰ هکتار و بیشتر
		۵۳۸۷۰۲	۱۷۶۲۱۵	کل

منبع: مرکز آمار ایران: سرشماری کشاورزی ۱۳۶۷، نتایج تفصیلی کل کشور

نمودار شماره ۱:

منحنی توزیع زمین های زیر کشت گندم



اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه فقر و آسیب پذیری روستایی

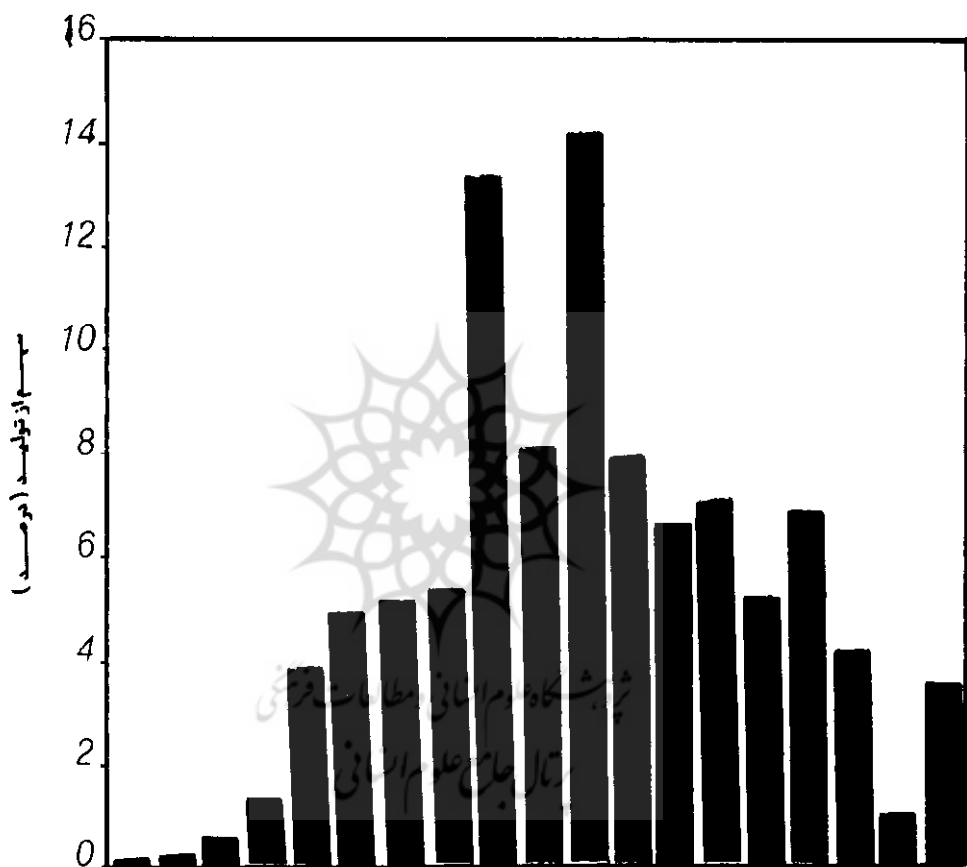
جدول شماره ۲ : تولید مکانان به تفکیک بهره‌بردارها : تعداد، تولید، عملکرد ۱۳۶۷

سهم از تولید	مسلکرد	تولید (تن)	مساحت (ده تن)	تعداد بهره‌بردار (ده هکتار)	۱
۱۰۰	۱/۰۷	۵۸۷۴۷۲	۵۲۸۷۰۲	۱۷۶۲۱۵	کل
۰/۰۶	۱/۵۹	۳۶۹	۲۳۲	۹۸۹	کمتر از ۰/۱ هکتار
۰/۱۱	۱/۹۳	۶۴۱	۳۳۲	۱۹۰۴	۰/۱ تا کمتر از ۰/۲ هکتار
۰/۵۷	۲/۱۲	۳۳۴۶	۱۵۷۶	۶۶۷۸	۰/۲ تا کمتر از ۰/۵ هکتار
۱/۳	۱/۸۹	۷۶۶۱	۴۰۳۸	۱۰۱۹۷	۰/۵ تا کمتر از ۱ هکتار
۳/۸۰	۱/۵۷	۲۲۳۲۳	۱۴۱۶۷	۱۹۷۸۴	۱ تا کمتر از ۲ هکتار
۴/۹۳	۱/۳۷	۲۸۹۵۶	۲۱۰۲۸	۱۹۰۶۲	۲ تا کمتر از ۳ هکتار
۵/۲۲	۱/۳۲	۳۰۶۵۳	۲۳۱۳۶	۱۶۱۱۳	۳ تا کمتر از ۴ هکتار
۵/۳۸	۱/۱۹	۳۱۵۹۳	۲۶۴۲۰	۱۴۷۵۰	۴ تا کمتر از ۵ هکتار
۱۳/۳۹	۱/۱۶	۷۸۶۷۰	۶۷۶۰۲	۲۸۴۴۵	۵ تا کمتر از ۷/۵ هکتار
۸/۱۶	۱/۰۶	۴۷۹۴۶	۴۴۹۸۳	۱۴۲۱۸	۷/۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار
۱۴/۲۰	۰/۹۸	۸۴۳۱۵	۸۴۲۸۴	۱۹۸۴۴	۱۰ تا کمتر از ۱۵ هکتار
۷/۹۹	۰/۹۳	۴۶۹۵۲	۵۰۴۳۹	۸۵۴۸	۱۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار
۶/۶۴	۰/۸۸	۳۹۰۱۰	۴۳۸۷۰	۵۷۲۴	۲۰ تا کمتر از ۲۵ هکتار
۷/۱۰	۰/۸۹	۴۱۷۲۳	۴۶۷۳۰	۲۶۳۹	۲۵ تا کمتر از ۳۵ هکتار
۵/۳۰	۰/۹۱	۳۱۱۲۵	۳۴۱۳۰	۲۴۶۶	۳۵ تا کمتر از ۵۰ هکتار
۶/۹۸	۰/۹۶	۴۱۰۲۶	۴۲۶۷۲	۲۰۸۵	۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار
۴/۳۱	۱/۳۲	۲۵۳۲۵	۱۹۱۷۹	۵۸۹	۱۰۰ تا کمتر از ۲۰۰ هکتار
۰/۹۳	۱/۱۵	۵۴۴۷	۴۷۱۷	۸۴	۲۰۰ تا کمتر از ۳۰۰ هکتار
۳/۶۳	۲/۳۲	۲۱۲۹۱	۹۱۶۷	۹۵	۳۰۰ هکتار و بیشتر

ماخذ : مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ نتایج تفصیلی کل کشور، تهران ۱۳۷۰

نمودار شماره ۲:

تولیدکنندگان به تفکیک بهره برداری ها



این وضعیت علاوه بر گندمکاران، شامل جوکاران نیز می شود که نظر به گستردگی کشت آن جداگانه مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است :

ب) جوکاران

جو صرف نظر از مصرف آن، بیشتر به دلیل گستردگی کشت آن در ایران اهمیت دارد، به عبارت دیگر آمارهای موجود نشان می دهند که در زمینهای آبی ۱۸٪ و در زمین دیم ۲۴٪ به کشت این محصول اختصاص دارد. (۱۴)

طبق جدول شماره ۳، در سال ۱۳۶۷ حدود ۱۱۳۷۳۱ بهره برداری وجود داشتند که در مساحتی حدود ۲۲۰۶۳۳ هکتار به کشت جو مشغول بودند. توزیع زمین میان این بهره برداریها نیز مانند کشت گندم، بشدت ناموزون است. مثلاً بهره برداریهای زیر ۵ هکتار که ۴۳٪ بهره برداریها را تشکیل می دهند، حدود کمتر از ۱۶٪ اراضی را در اختیار دارند، در حالی که بهره برداریهای بزرگتر از ۱۵ هکتار با سهم که خود از کل (۳/۱۶٪) حدود ۴۶٪ اراضی جوکاری را به خود اختصاص داده اند. برای تصویر دقیق این نکته، منحنی توزیع زمین در میان جوکاران ترسیم شده است (نمودار شماره ۳). قوس زیاد این منحنی در حقیقت گویای ناموزونی شدید توزیع است.

از سوی دیگر، ویژگی کشت جو از نظر عرضه محصول به تفکیک بهره برداریها نیز مانند گندم است. یعنی همان طور که در جدول شماره ۴ و نمودار شماره ۴ می توان دید، کشاورزان خرده پا سهم کمتری از کل عرضه را بر عهده دارند در حالی که بهره برداریهای میانی به نسبت بیش از دیگران جو به بازار عرضه می کنند.

بر پایه همسانی وضعیت کشت گندم و جو، می توان استدلال کرد که بهره برداریهای خرده پا در کشت جو نیز در شرایط نامناسب گندمکاران خرده پا قرار دارند، با این تفاوت که علاوه بر ارزاتر بودن محصول خود، ممکن است کمتر مورد توجه قرار گیرند چون محصول آنان اهمیت استراتژیک گندم را ندارد. این به معنای آن است که اقتصاد بهره برداران خرده پا در این کشت شکننده تر از اقتصاد گندمکاران خرده پا است.

نتیجه ای که در این مرحله می توان گرفت آن است که شمار زیادی از کشاورزان ایرانی به

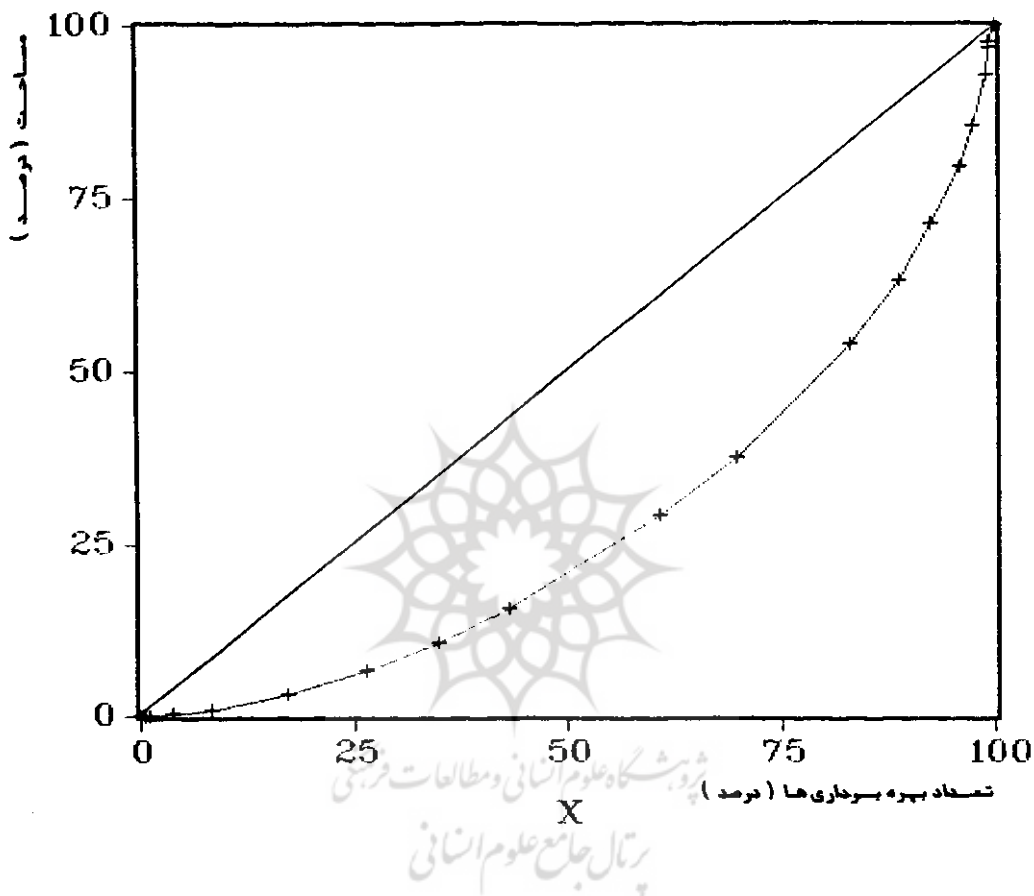
جدول شماره ۳:
بهره‌دارهای جوکار: تعداد و مساحت ۱۳۶۷

مساحت (درصد)	تعداد (درصد)	مساحت (ده هکتار)	تعداد (بهره‌داری)	بهره‌دارها
-	۰/۴	۹۸	۴۶۸	کمتر از ۱ هکتار
-	۰/۷	۱۳۱	۸۲۴	۱. تا کمتر از ۲ هکتار
۰/۲۵	۲/۷	۵۵۵	۳۰۹۴	۲. تا کمتر از ۵ هکتار
۰/۶۰	۴/۴	۱۳۳۷	۵۰۷۲	۵. تا کمتر از ۱ هکتار
۲/۲۰	۸/۸	۴۸۵۰	۱۰۰۹۰	۱ تا کمتر از ۲ هکتار
۳/۴۷	۹/۲	۷۶۶۳	۱۰۴۱۹	۲ تا کمتر از ۳ هکتار
۴/۱۴	۸/۵	۹۱۲۷	۹۸۴۵	۳ تا کمتر از ۴ هکتار
۴/۹۹	۸/۴	۱۱۰۳۱	۹۶۲۹	۴ تا کمتر از ۵ هکتار
۱۳/۳۶	۱۷/۶	۲۹۴۸۱	۲۰۰۰۷	۵ تا کمتر از ۷۰۵ هکتار
۸/۴۴	۹/۱	۱۸۶۳۳	۱۰۳۸۶	۷۰۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار
۱۶/۳۸	۱۳/۲	۳۶۱۴۲	۱۵۱۱۰	۱۰ تا کمتر از ۱۵ هکتار
۹/۲۹	۵/۷	۲۰۵۰۰	۶۵۹۶	۱۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار
۸/۱۴	۳/۸	۱۷۹۵۵	۴۲۲۷	۲۰ تا کمتر از ۲۵ هکتار
۸/۱۷	۳/۲	۱۸۰۳۲	۳۶۱۵	۲۵ تا کمتر از ۳۵ هکتار
۵/۹۲	۱/۸	۱۳۰۵۸	۱۹۲۲	۳۵ تا کمتر از ۵۰ هکتار
۷/۴۹	۱/۴	۱۶۵۲۸	۱۶۱۲	۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار
۳/۸۷	۰/۴	۸۵۳۱	۴۵۰	۱۰۰ تا کمتر از ۲۰۰ هکتار
۰/۸۵	-	۱۸۸۲	۶۲	۲۰۰ تا کمتر از ۳۰۰ هکتار
۲/۳۲	-	۵۱۰۹	۷۳	۳۰۰ هکتار و بیشتر
۱۰۰	۱۰۰	۲۲۰۶۳۳	۱۱۳۳۱	کل

منبع: مرکز آمار ایران: سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷، نتایج تفصیلی کل کشور

اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه فقر و آسیب پذیری روستایی

نمودار شماره ۳: منحنی توزیع زمین های زیر کشت جو



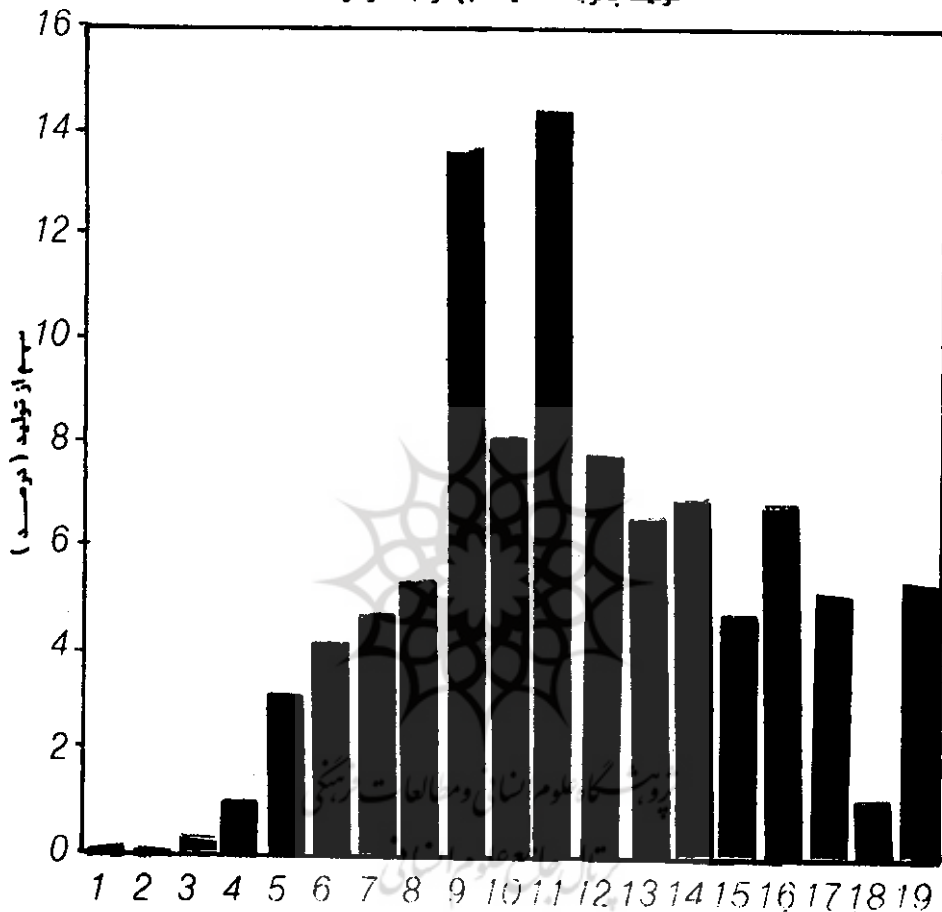
جدول شماره ۴ : بهره‌داری جو : تعداد، تولید و عملکرد در هکتار ۱۳۶۷

سهم از تولید	عملکرد (تن)	تولید (ده تن)	مساحت (ده هکتار)	تعداد (ده بهره‌داری)	۱
۱۰۰	۱/۱۹	۲۶۲۵۳۹	۲۲۰۶۳۳	۱۱۳۳۱	کل
۰/۰۶	۱/۶۱	۱۵۸	۹۸	۴۶۸	کمتر از ۰/۱ هکتار
۰/۰۹	۱/۸۸	۲۴۷	۱۳۱	۸۲۴	۰/۱ تا کمتر از ۰/۲ هکتار
۰/۴۵	۲/۱۴	۱۱۹۳	۵۵۵	۳۰۹۴	۰/۲ تا کمتر از ۰/۵ هکتار
۱/۰۶	۲/۰۷	۲۷۷۲	۱۳۳۷	۵۰۷۲	۰/۵ تا کمتر از ۱ هکتار
۳/۱۳	۱/۶۹	۸۲۰۹	۲۸۵۰	۱۰۰۹۰	۱ تا کمتر از ۲ هکتار
۴/۲۰	۱/۴۳	۱۱۰۳۰	۷۶۶۳	۱۰۴۱۹	۲ تا کمتر از ۳ هکتار
۴/۸۱	۱/۳۸	۱۲۶۳۳	۹۱۲۷	۹۸۴۵	۳ تا کمتر از ۴ هکتار
۵/۳۲	۱/۲۶	۱۳۹۷۷	۱۱۰۳۱	۹۶۲۹	۴ تا کمتر از ۵ هکتار
۱۳/۷۵	۱/۲۲	۳۶۰۸۷	۲۹۴۸۱	۳۰۰۰۷	۵ تا کمتر از ۷/۵ هکتار
۸/۰۳	۱/۱۳	۲۱۰۹۱	۱۸۶۲۳	۱۰۳۸۶	۷/۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار
۱۴/۶۵	۱/۰۶	۳۸۴۵۶	۳۶۱۴۲	۱۵۱۱۰	۱۰ تا کمتر از ۱۵ هکتار
۷/۸۹	۱/۰۰۹	۲۰۷۰۲	۲۰۵۰۰	۶۵۹۶	۱۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار
۶/۶۰	۰/۹۶	۱۷۳۱۸	۱۷۹۵۵	۴۲۲۷	۲۰ تا کمتر از ۲۵ هکتار
۶/۹۱	۱/۰۰۶	۱۸۱۴۳	۱۸۰۳۲	۳۶۱۵	۲۵ تا کمتر از ۳۵ هکتار
۴/۷۲	۰/۹۲	۱۳۳۹۱	۱۳۰۵۸	۱۹۲۲	۳۵ تا کمتر از ۵۰ هکتار
۶/۹۱	۱/۰۹	۱۸۱۳۸	۱۶۵۲۸	۱۶۱۲	۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار
۵/۰۴	۱/۵۴	۱۳۲۲۱	۸۵۳۱	۲۵۰	۱۰۰ تا کمتر از ۲۰۰ هکتار
۱/۰۳	۱/۴۴	۲۷۱۷	۱۸۸۲	۶۲	۲۰۰ تا کمتر از ۳۰۰ هکتار
۵/۳۵	۲/۷۵	۱۴۰۵۶	۵۱۰۹	۷۳	۳۰۰ هکتار و بیشتر

ماخذ : مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ نتایج تفصیلی کل کشور، تهران ۱۳۷۰

نمودار شماره ۲

تولید جو به تفکیک بهاره بر دارها



کشت گندم و جو اشتغال دارند (۱۵)؛ بیشتر آنها بهره برداران خرده پایی هستند که اقتصادی شکننده دارند و چون دولتها به طور عام در برنامه های عمرانی خود تولیدکنندگان و مصرف کنندگان شهری را هدف قرار می دهند، آنها به طور بالقوه مورد کم توجهی قرار می گیرند. با توجه به این نتیجه، سومین محصول مهم کشور یعنی برنج را نیز مورد مطالعه قرار می دهیم

ج) برنجکاری

برنج را در حقیقت می توان دومین محصول استراتژیک (پس از گندم) در ایران به شمار آورد. علاوه بر اهمیت غذایی این محصول ۹ درصد از کل زمینهای آبی زیر کشت نیز به برنج اختصاص دارد. (۱۶) کشت برنج در ایران که عمدتاً در استانهای جنوبی دریای خزر متمرکز است، بسیار پرزحمت است و به طور سنتی فرایند آن را کاربرد به شمار می آورند. از ویژگیهای دیگر این محصول می توان به عملکرد در هکتار بالا و نیز قیمت نسبتاً مناسب آن اشاره کرد.

مطالعه جدول شماره ۵ تعداد بهره بردارهای سطح زیر کشت این محصول را نشان می دهد. چنانچه در جدول دیده می شود، برنج علاوه بر اینکه نسبت به گندم و جو سطح محدودتری از زمینهای کشاورزی را با شمار کمتری از بهره برداران به خود اختصاص می دهد، از نظر توزیع اراضی به تفکیک بهره برداریها نیز وضع ویژه و کاملاً متفاوتی دارد. به نظر می رسد که در این کشت توزیع زمین موزونتر باشد چون بهره بردارهای زیر دو هکتار با حدود ۶۵ درصد تعداد، $41/5$ درصد از سطح شالیکارها را به خود اختصاص داده اند. گروه بعدی (از 2 تا $7/5$ هکتار) ظاهراً از لحاظ سطح زیر کشت برتری چندانی نسبت به خرده باها ندارند زیرا با $28/75$ درصد از نظر تعداد، حدود ۴۵ درصد اراضی برنجکاری را در اختیار خود دارد. و سرانجام مطالعه رده های بعدی نشان می دهد که بهره بردارهای بزرگتر از لحاظ تعداد و مساحت از اهمیت کمتری برخوردارند. مقایسه منحنی توزیع زمین در میان برنجکاران (نمودار شماره ۵) با منحنیهای مربوط به گندم و جو، موزونی نسبی در این زمینه را بخوبی نشان می دهد. این وضعیت اگرچه بازگویی توزیع عادلانه تر زمین بین شالیکاران است ولی این نکته را نیز آشکار می کند که در مقایسه با کشت گندم و جو، اقتصاد برنج به طور نسبی آسیب پذیر و شکننده تر است؛ زیرا

تولیدکنندگان خرده‌پا در آن نقش گسترده‌تری را از لحاظ تعداد و سطح زیر کشت برعهده دارند. اما این گستردگی به دو بعد اشاره شده در بالا محدود نمی‌شود، بلکه به عکس‌گندم‌کاران و جوکاران کشور، شالیکاران خرده‌پا سهم بزرگی از کل تولید را نیز برعهده دارند. یعنی همان‌طور که در جدول شماره ۶ و نمودار آن می‌توان دید، در تولید این محصول شالیکاران خرده‌پا بیش از ۴۰ درصد سهم دارند؛ و بعد از آنها نیز بهره‌بردارها از ۲ تا کمتر از ۴ هکتاری درصد ملموسی از کل تولید را به خود اختصاص داده‌اند. این نقش نشان می‌دهد که در شالیکاری، بهره‌بردارهای خرده‌پا علاوه بر اشتغال، از نظر تولید نیز اهمیت دارند. به بیانی دیگر می‌توان گفت که برنج ایران برپایه تلاش گروه بزرگی از کشاورزان خرده‌پا استوار است که بنا بر خصلت ذاتی تولید خرده، موقعیت اقتصادی بسیار شکننده‌ای دارند و علاوه بر تأثیرپذیری از نوسانات قیمت در داخل کشور، قابلیت ضربه‌پذیری شدیدی هم در برابر تولیدکنندگان خارجی دارند. (۱۷) هرگاه روند تاریخی این کشاورزان را بررسی کنیم، پی خواهیم برد که این شکنندگی گرایش به افزایش دارد چون میانگین سطح بهره‌بردارهای برنجکار در دوره ۶۷-۱۳۳۹ از ۱/۲۳۱ هکتار به ۰/۹۹۸ هکتار کاهش پیدا کرده است. (۱۸)

در جمع‌بندی از بررسی‌های آماری سه محصول مهم گندم، جو و برنج می‌توان به نکته‌های زیر اشاره کرد: توزیع زمین بین کشاورزان ناموزون است و شمار زیادی از آنها قطعات کوچکی از زمینهای کشاورزی را در اختیار دارند؛ میانگین سطح بهره‌بردارها با توجه به افزایش قدر مطلق جمعیت روستائینان در حال کاهش است؛ سهم تولیدکنندگان گندم و جو از کل عرضه محصول به‌طور نسبی کم است در حالی که برنجکاران خرده‌پا در عرضه کل این محصول نقش بااهمیتی بازی می‌کنند؛ اقتصاد آنان از دو بعد و در حقیقت به دو معنی می‌تواند شکننده تلقی شود: نخست آنکه آنها در مقیاس خرد کار می‌کنند و از اینرو از بسیاری مواهب اقتصادی تولید در مقیاس بزرگ بی‌بهره‌اند ناتوانی نسبی در رقابت قیمتی با محصولات مشابه خارجی را شاید بتوان نمودی از این ویژگی به‌شمار آورد؛ و دوم، سیاست‌گذارهای دولت که به یقین زیر تأثیر عواملی مانند ارزانی تولیدات خارجی، پرداخت یارانه و کنترل قیمت‌ها قرار دارد، ممکن است حاصلی جز کم‌توجهی و یا حتی بی‌توجهی به آنان نداشته باشد.

ولی این ضربه‌پذیری آشکارا به جنبه‌های اقتصادی این خیل عظیم تولیدکنندگان خرده‌پا

اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه فقر و آسیب پذیری روستایی

جدول شماره ۵:

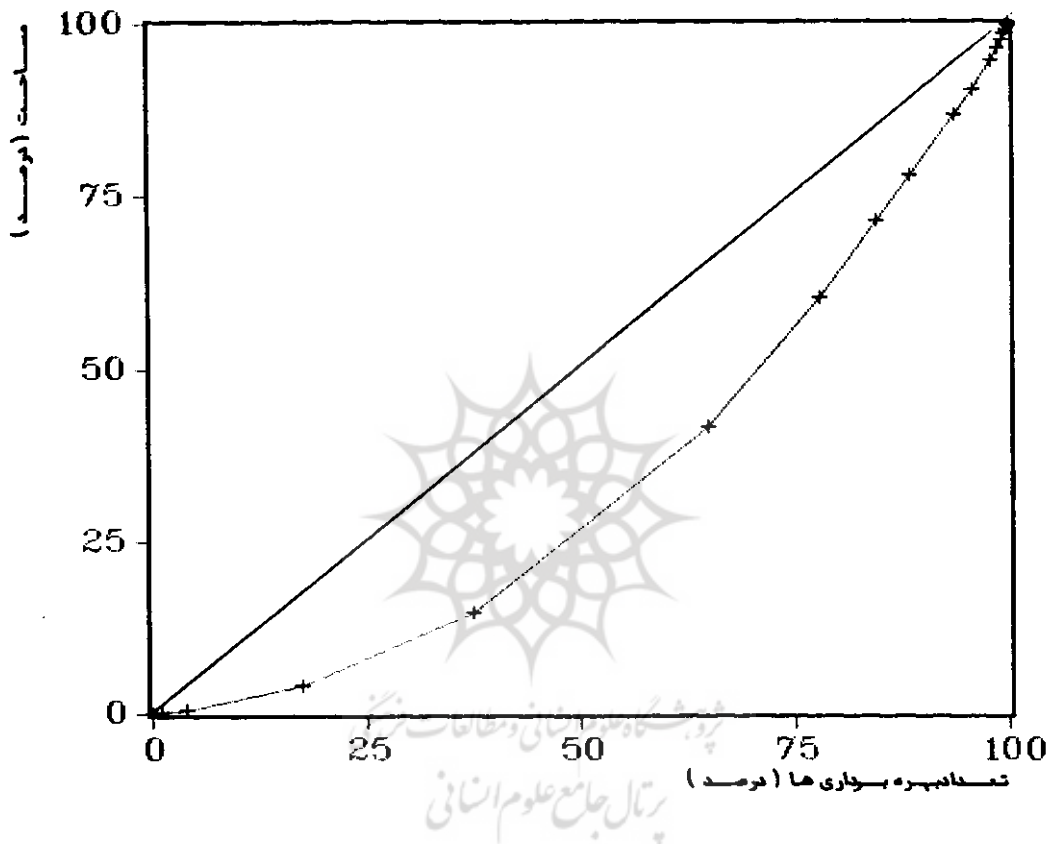
بونج: تولید، عملکرد، سهم از کل تولید به تفکیک بهره‌داری:

مساحت (درصد)	تعداد (درصد)	مساحت (ده هکتار)	تعداد (ده بهره‌داری)	بهره‌داریها
۰/۱۱	۱/۰۲	۴۶	۴۰	کمتر از ۱ هکتار
۰/۳۷	۲/۸۹	۱۵۹	۱۲۵	۱. تا کمتر از ۲ هکتار
۳/۶۴	۱۳/۳۹	۷۵۷۴	۵۷۹۶	۲. تا کمتر از ۵ هکتار
۱۰/۵۳	۲۰/۰۳	۴۵۵۰	۸۶۷۲	۵. تا کمتر از ۱ هکتار
۲۶/۸۹	۲۷/۶۷	۱۱۶۱۹	۱۱۹۷۷	۱ تا کمتر از ۲ هکتار
۱۸/۷۸	۱۲/۹۱	۸۱۱۵	۵۵۹۰	۲ تا کمتر از ۳ هکتار
۱۱/۱۶	۶/۶۳	۴۸۲۱	۲۸۶۹	۳ تا کمتر از ۴ هکتار
۶/۵۵	۳/۹۶	۲۸۳۰	۱۷۱۳	۴ تا کمتر از ۵ هکتار
۸/۷۱	۵/۲۵	۳۷۶۶	۲۲۷۴	۵ تا کمتر از ۷۰۵ هکتار
۳/۵۴	۲/۰۷	۱۵۳۰	۸۹۴	۷۰۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار
۴/۳۵	۲/۱۶	۱۸۸۲	۹۳۷	۱۰ تا کمتر از ۱۵ هکتار
۱/۷۳	۰/۷۹	۷۴۷	۳۴۳	۱۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار
۱/۱۵	۰/۴۴	۴۹۵	۱۸۹	۲۰ تا کمتر از ۲۵ هکتار
۰/۹۷	۰/۳۳	۴۱۹	۱۴۳	۲۵ تا کمتر از ۳۵ هکتار
۰/۵۴	۰/۱۷	۲۳۴	۷۵	۳۵ تا کمتر از ۵۰ هکتار
۰/۵۶	۰/۱۷	۲۴۳	۷۴	۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار
۰/۲۰	۰/۰۹	۸۷	۳۹	۱۰۰ تا کمتر از ۲۰۰ هکتار
۰/۰۵	۰/۰۱	۲۱	۵	۲۰۰ تا کمتر از ۳۰۰ هکتار
۰/۱۷	۰/۰۲	۷۵	۱۰	۳۰۰ هکتار و بیشتر
۱۰۰	۱۰۰	۴۳۲۱۶	۳۳۲۹۰	کل

منبع: مرکز آمار ایران: سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷، نتایج تفصیلی کل کشور

اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه فقر و آسیب پذیری روستایی

نمودار شماره ۹: منحنی توزیع زمین های زیر کشت برنج



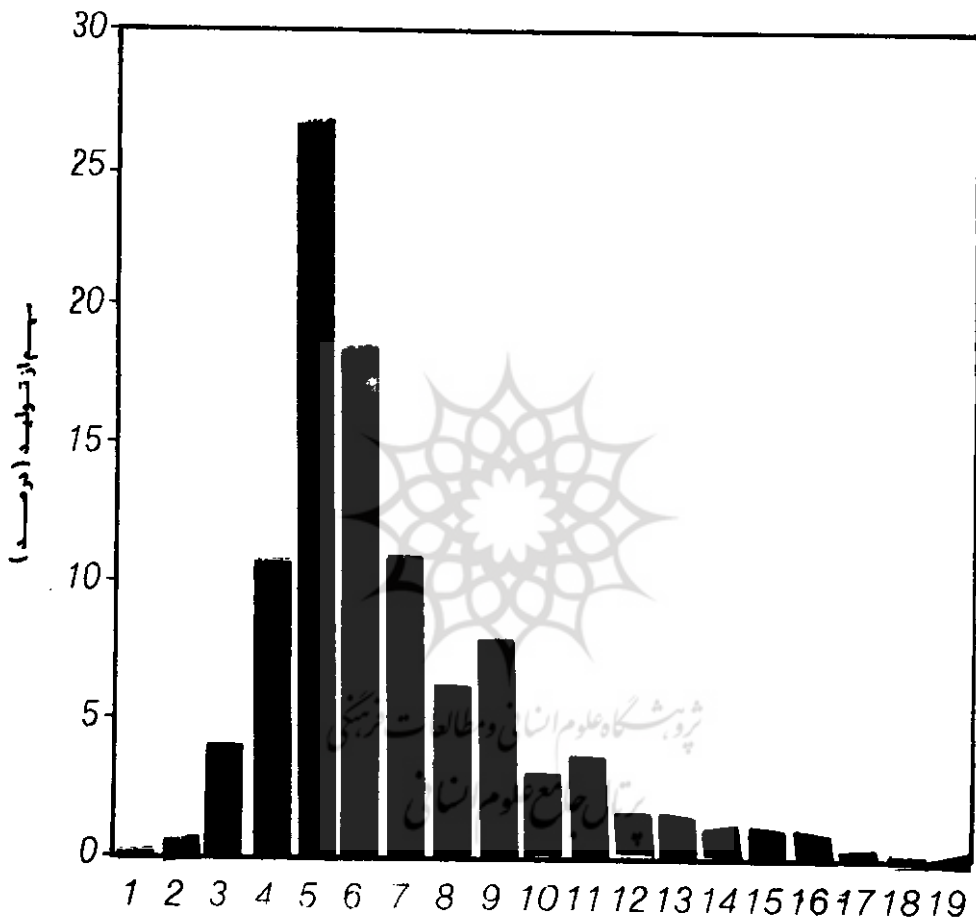
جدول شماره ۲:
بهره‌داران برنج کار: تعداد، تولید (تالی) و عملکرد در هکتار ۱۳۶۷

۱	تعداد	(ده بهره‌داری) (ده هکتار)	مساحت (ده تن)	تولید (تن)	عملکرد	سهم از تولید
کل	۴۳۲۹۰		۴۶	۱۲۲۲۷۸	۲/۸۲	۱۰۰
کمتر از ۰/۱ هکتار	۴۰		۴۶	۱۶۸	۳/۶۵	۰/۱۴
۰/۱ تا کمتر از ۰/۲ هکتار	۱۲۵۰		۱۵۹	۵۶۹	۳/۵۷	۰/۳۷
۰/۲ تا کمتر از ۰/۵ هکتار	۵۷۹۶		۱۵۷۴	۴۹۳۸	۳/۱۳	۴/۰۴
۰/۵ تا کمتر از ۱ هکتار	۸۶۷۲		۲۵۵۰	۱۳۲۶۸	۲/۹۱	۱۰/۸۶
۱ تا کمتر از ۲ هکتار	۱۱۹۷۷		۱۱۶۱۹	۳۲۸۰۰	۲/۸۲	۲۶/۸۳
۲ تا کمتر از ۳ هکتار	۵۵۹۰		۸۱۱۵	۲۲۶۹۴	۲/۷۹	۱۸/۵۷
۳ تا کمتر از ۴ هکتار	۲۸۶۹		۴۸۲۱	۱۳۴۵۰	۲/۷۸	۱۱/۰۰
۴ تا کمتر از ۵ هکتار	۱۷۱۳		۲۸۳۰	۷۷۶۵	۲/۷۴	۶/۳۵
۵ تا کمتر از ۷/۵ هکتار	۲۲۷۴		۳۷۶۶	۹۹۴۴	۲/۶۴	۸/۱۳
۷/۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار	۸۹۴		۱۵۳۰	۳۷۰۴	۲/۴۲	۳/۰۳
۱۰ تا کمتر از ۱۵ هکتار	۹۳۷		۱۸۸۲	۲۵۳۵	۲/۴۰	۳/۷۱
۱۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار	۳۳۳		۷۳۷	۱۹۳۴	۲/۵۸	۱/۵۸
۲۰ تا کمتر از ۲۵ هکتار	۱۸۹		۴۹۵	۱۸۱۸	۳/۶۷	۱/۴۹
۲۵ تا کمتر از ۳۵ هکتار	۱۴۳		۴۱۹	۱۲۵۸	۳/۰۰۳	۱/۰۳
۳۵ تا کمتر از ۵۰ هکتار	۷۵		۲۳۴	۱۳۸۵	۵/۹۲	۱/۱۳
۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار	۷۴		۲۳۳	۱۰۸۱	۴/۴۴	۰/۸۸
۱۰۰ تا کمتر از ۲۰۰ هکتار	۳۹		۸۷	۵۸۲	۶/۶۸	۰/۴۸
۲۰۰ تا کمتر از ۳۰۰ هکتار	۵		۲۱	۱۰۸	۵/۱۴	۰/۰۹
۳۰۰ هکتار و بیشتر	۱۰		۷۵	۲۲۸	۳/۰۴	۰/۱۹

منابع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ نتایج تفصیلی کل کشور، تهران ۱۳۷۰

نمودار شماره ۶

تولید برنج به تفکیک بهره بردارها



ماهیت و نوع نگرش و گرایش دولت به آنان محدود نمی شود بلکه آنها از ابعاد دیگر نیز زیر فشار قرار دارند برای به دست دادن تصویری از این ابعاد، مصرف مواد غذایی و نیز مسئله بی سوادی در روستاها به اجمال بررسی می شود.

تفدیه و کالری مصرفی روستائیان

تاکنون گوشه هایی از اقتصاد کشاورزان خرده پا که به تولید سه محصول اساسی یعنی گندم، جو و برنج اشتغال دارند بررسی شد؛ دیدیم که به چه دلایلی می توان آنها را در برابر نوسانات اقتصادی و نیز در برابر تولیدکنندگان خارجی به طور بالقوه ضربه پذیر دانست. ولی این وضعیت، جنبه های دیگری هم دارد که اگرچه به دلیل محدودیتهای آماری نمی توان به تفکیک طبقات بهره برداری بیان کرد ولی چون در روستاهای ایران عمومیت دارد می توان تصویری کلی از آن به دست داد. از اینرو در این قسمت از مقاله نخست به بررسی وضعیت کالری مصرفی مناطق روستایی پرداخته شده است. و سپس در قسمت بعدی به طور خلاصه به وضعیت آموزشی و تحصیلی آنان اشاره خواهد شد.

طبق آمارهای منتشر شده، در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی میزان کالری مصرفی سرانه در نقاط روستایی کشور بین ۲۸۸۸ تا ۳۱۸۷ کالری بوده است. چنانچه در جدول شماره ۷ دیده می شود، این مقدار کالری مصرفی در دهه ۱۳۶۰ رو به کاهش گذاشت، یعنی از مقادیر مربوط به حدود ۳۰۰۰ کالری در سال ۱۳۶۱ به حدود ۲۶۰۰ کالری در سال ۱۳۶۸ کاهش یافت.

برغم این کاهش، هنوز می توان گفت که ایران از این لحاظ از بسیاری کشورهای دیگر جهان در وضعیت مطلوب تری قرار دارد. ولی در این زمینه نکته ای که قابل بیان است، ترکیب مواد غذایی است که روستائیان به مصرف می رسانند. برای بیان این موضوع جدول شماره ۷ تنظیم شده است که سهم هر یک از انواع مواد غذایی در تأمین کالری روستائیان را نشان می دهد. در تمام سالهای مزبور نان که در حقیقت به مفهوم اقتصادی یک کالای پست به شمار می رود، سهم عمده ای در تأمین کالری روستائیان داشته است. در سالهای نسبتاً بهتر، این سهم در حد ۵۵ درصد کاهش پیدا می کند درحالی که در برخی سالها به حدود ۶۰ درصد می رسد. البته روشن است که اگر سهم دو کالای مشابه (و جانشین) یعنی برنج و سیب زمینی را هم به درصد مزبور

بیفزائیم، سهم مزبور به حدود ۷۰ درصد می‌رسد. از سوی دیگر سهم مواد پروتئینی، بسیار کم است. بدین معنی که مثلاً گوشت قرمز در سال ۱۳۵۱ حدود ۴/۸ درصد بود که در اواخر دهه ۱۳۶۰ به ۲/۳ درصد رسید؛ علاوه بر این گوشت مرغ سهم اندک ولی ثابتی داشته است. طبیعی است که بدلیل نوع آب و هوای اکثر مناطق ایران، گوشت ماهی سهم بسیار ناچیزی داشته باشد. و سرانجام شماری از مواد انرژی‌زا مانند چربی‌ها و شیرینی‌ها هم روندی نزولی داشته‌اند. حال اگر در این مرحله، مصرف مواد غذایی و کالری مصرفی روستائیان را به تفکیک گروه‌های هزینه بررسی کنیم، شرایط تا اندازه‌ای روشن‌تر هم می‌شود. برای این منظور، می‌توان نگاهی به جدول شماره ۸ انداخت. این جدول نشان می‌دهد که آن گروه‌هایی از روستائیان که از نظر هزینه در رده‌های پائین‌تری قرار دارند، بطور نسبی غله بیشتری هم مصرف می‌کنند. و چنانچه دیده می‌شود در برخی گروه‌ها این سهم در حد ۸۰ درصد هم قرار می‌گیرد. در جمع‌بندی نهائی می‌توان گفت که علی‌رغم کاهش میزان کالری مصرفی در روستاها، هنوز هم روستائیان ایران نسبت به روستائیان بسیاری از کشورها در وضع مطلوب‌تری قرار دارند اگرچه این کالری عمدتاً از محل مصرف غلات تأمین می‌شود. نکته قابل ذکر آن است که آمارهای ارائه شده، وضعیت تغذیه را تا اواخر دهه ۱۳۶۰ و در حقیقت تا آغاز برنامه اول دولت را تصویر می‌کند. ولی گمان می‌رود که این وضعیت تحول پیدا کرده باشد زیرا با آغاز برنامه عمرانی مزبور و اجرای محدود سیاست تعدیل اقتصادی، پویایی در بخش کشاورزی پدیدار شد. بدین معنی که قیمت محصولات استراتژیک تا اندازه زیادی افزایش داده شده‌اند و در پی آن نیز میزان تولیدات بالا رفته است. بدین ترتیب، در شرایطی که آمار مربوط به تغذیه و کالری مصرفی روستائیان در دست نیست، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که بدلیل افزایش قیمت محصولات کشاورزی و بالا رفتن حجم تولیدات ممکن است توان خرید کشاورزان هم افزایش پیدا کرده باشد که این خود می‌تواند بهبود وضعیت تغذیه را در پی داشته باشد.

وضعیت سواد در روستاها

گزارش بانک عمران آسیا، وضعیت سواد را هم یکی از ابعاد فقر بویژه در روستاها به

جدول شماره ۷:
توزیع درصد کاروری روزانه هر یک از مواد خوراکی اساسی در سالهای مختلف در مناطق روستایی

۱۲۶۸	۱۲۶۷	۱۲۶۲	۱۳۶۱	۱۳۵۶	۱۳۵۱	مواد خوراکی اساسی
۲۵۹۹	۲۵۹۶		۳۰۶۷	۳۱۸۷	۲۸۸۸	مقدار کاروری
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کالری (درصد)
۵۹/۳	۵۴/۱	۵۵/۲	۵۵/۱	۵۳/۱	۶۳/۲	نان
۱۰/۵	۱۱/۵	۱۱/۲	۱۲/۶	۱۳/۵	۱۱/۷	برنج
۲/۳	۲/۰	۳/۰	۴/۶	۸/۳	۴/۸	گوشت قرمز
۰/۲	۰/۳	۰/۵	۱/۰	۰/۸	۰/۴	گوشت مرغ
۰/۱	۰/۵	۰/۹۱	۰/۱	۰/۲	۰/۲	گوشت ماهی
۴/۳	۵/۰	۵/۱	۵/۴	۶/۷	۴/۵	مواد چربی
۱/۳	۱/۰	۱/۲	۱/۲	۰/۹	۱/۶	سبزیها
۱/۰	۱/۱	۰/۹	۱/۰	۰/۹	۰/۵	میوهها
۲/۶	۱/۵	۲/۴	۲/۲	۲/۲	۱/۹	حبوبات
۱/۰	۱/۱	۱/۰	۱/۴	۱/۱	۰/۷	سبب زمینی
			۸/۱	۷/۸	۶/۸	قند، شکر
۶/۰	۵/۸	۵/۹				و شیرینها
۱۰/۹	۱۶/۳	۱۳/۷	۷/۲	۴/۴	۳/۷	سایر مواد

مأخذ: مهندس جلال رسول اف: جمعیت و غذا: تصویری از یک اضطراب اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۲ مقدار کالری از مرکز آمار ایران، گزیده مطالب آماری سال هفتم شماره ۲۹ / و جدول شماره ۸

اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه فقر و آسیب پذیری روستایی

جدول شماره ۸:
مقدار مصرف سوانه روزانه کارگری یک نفر روستایی در سال ۱۳۶۸ بر حسب گروه هزینه

شماره	گروه	۱۸۰۰۰۰۱	۱۲۰۰۰۰۱	۹۰۰۰۰۰۱	۶۰۰۰۰۰۱	۲۸۰۰۰۰۱	۲۶۰۰۰۰۱	۲۴۰۰۰۰۱	۱۲۰۰۰۰۱	کسرتاز	متوسط کل	شرح
	ریالی	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	(ریال)			
۲۴۰۰۰۰۱	بیشتر	۲۴۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰۱	۲۶۰۰۰۰۱	۲۴۰۰۰۰۱	۱۲۰۰۰۰۱	۳۴۰۰۰۰	۱۱۸۷۶۸	متوسط هزینه خوراکی سالانه سرانه
۲۰۰۷۹-۹	۱۸۰۰۰۰۱	تا	۱۲۰۰۰۰۱	۹۰۰۰۰۰۱	۶۰۰۰۰۰۱	۲۸۰۰۰۰۱	۲۶۰۰۰۰۱	۲۴۰۰۰۰۱	۱۲۰۰۰۰۱	۳۵۲۷۵	۲۵۹۹	کل کارگری مصرفی
۲۹۳۵	۲۴۰۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰۱	۲۶۰۰۰۰۱	۲۴۰۰۰۰۱	۱۲۰۰۰۰۱	۱۲۱۳	۲۵۹۹	آرد، پسته، غلات، نان و فرآورده های
۲۰۰۳۳/۲	۲۰۰۰۵/۰	۱۸۵۵/۶	۱۸۲۷/۲	۱۸۰۳/۹	۱۹۲۰/۲	۱۹۵۰/۰	۱۹۶۶/۸	۱۹۶۶/۸	۱۹۶۶/۸	۹۷۸/۷	۱۹۰۰/۵	گوشت دام
۱۱۸/۸	۸۵/۶	۵۰/۱	۳۳/۰	۲۴/۹	۱۵/۹	۱۵/۴	۱۰/۰	۱۰/۰	۱۰/۰	۹/۸	۶۰/۵	گوشت مرغ
۳۷/۹	۱۳/۹	۲/۵	۱/۵	۱/۸	۰/۲	۰/۲	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰/۲	گوشت ماهی
۸/۰	۵/۶	۱/۶	۰/۸	۱/۰	۰/۶	۰/۴	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۳/۶	لبیات
۱۵۰/۴	۱۲۵/۹	۹۳/۵	۹۰/۹	۷۶/۳	۷۷/۵	۷۲/۵	۸۰/۱	۸۰/۱	۸۰/۱	۲۸/۶	۱۰۸/۲	تخم مرغ
۲۴/۳	۲۵/۹	۱۹/۲	۱۹/۹	۱۷/۱	۱۵/۱	۱۷/۳	۱۷/۳	۱۷/۳	۱۷/۳	۱۱/۵	۵۱/۲	روغن ها و چربی ها
۱۲۹/۹	۱۲۵/۴	۱۶۳/۱	۸۲/۳	۷۸/۷	۸۲/۷	۶۷/۶	۵۸/۱	۵۸/۱	۵۸/۱	۳۹/۵	۱۱۲/۸	سبزیها
۲۹/۳	۳۶/۱	۲۱/۰	۱۵/۸	۱۲/۹	۹/۳	۶/۵	۵/۲	۵/۲	۵/۲	۲/۳	۲۵/۵	سبزیها و محصولات چاقویی
۸۷/۱	۷۳/۵	۵۱/۴	۳۷/۵	۳۱/۴	۲۰/۷	۳۰/۵	۲۶/۴	۲۶/۴	۲۶/۴	۱۹/۲	۶۰/۵	حبوبات
۶۷/۸	۶۸/۱	۸۱/۲	۹۵/۰	۳۹/۰	۲۹/۰	۳۱/۶	۲۵/۶	۲۵/۶	۲۵/۶	۸/۱	۶۷/۸	قند و شکر و شیرینها
۱۷۴/۲	۱۵۵/۷	۱۷۱/۵	۱۲۰/۱	۱۳۸/۳	۱۲۶/۱	۱۳۵/۸	۱۴۰/۲	۱۴۰/۲	۱۴۰/۲	۸۱/۲	۱۵۶/۸	سایر مواد خوراکی
۳۳/۹	۲۶۹/۰	۳۲/۳	۲۴/۰	۲۰/۸	۲۶/۷	۲۷/۲	۵/۶	۵/۶	۵/۶	۱۱/۴	۲۱/۸	

منبع: مرکز آمار ایران

شمار می آورد. مطالعه آماری نشان می دهد که روستاهای کشور از این حیث در شرایط چندانی مطلوبی قرار ندارند با این حال روند چهاردهه اخیر را می توان به طور کلی بسیار امیدوارکننده تلقی کرد. بر طبق آمارهای مرکز آمار ایران در ۱۳۳۵ تنها ۶ درصد روستانشینان (مرد و زن) باسواد بودند. در دهه های بعد این درصد پیوسته افزایش یافت و در ۱۳۷۰ به بیش از ۶۳ درصد رسید. در این میان نسبت مردان باسواد همواره بیش از زنان باسواد بوده است و از نکات جالب و بارز در این زمینه آن است که فاصله میان این دو نسبت گرایش به نقصان دارد (۲۰). هرچند این آمارها به تفکیک بهره بردارها ذکر نشده است، لیکن دور از واقعیت نیست اگر فرض کنیم که میزان بی سوادی در میان گروه های کم درآمدتر، گسترده تر است.

نتیجه گیری

در این مقاله تولیدکنندگان سه کالای اساسی یعنی گندم و جو و برنج مطالعه شدند. گزینش این سه محصول مزبور دو دلیل عمده دارد: نخست گستردگی سطح زیرکشت و در نتیجه شمار زیاد تولیدکنندگان آنها؛ و دوم استراتژیک بودن این محصولات. این بررسی به روشنی نشان داد که شمار زیادی از تولیدکنندگان را دهقانان خرده پا تشکیل می دهند که زمین اندکی در اختیار دارند و عمدتاً با بازدهی پائین به کشت می پردازند. در کشت گندم و جو، این تولیدکنندگان سهم اندکی در کل عرضه دارند و علاوه بر آن، عملکرد در هکتار آنان نیز چندان بالاتر از میانگین عملکرد در هکتار گندمکاری نیست؛ درحالی که شالیکاران خرده پا سهم کاملاً ملموسی از عرضه را در اختیار دارند.

وضعیت کشاورزان از دو بعد غیراقتصادی هم بررسی شد. یعنی نخست چگونگی تغذیه در روستاها آمد و نشان داده شد که از این بابت در شرایط چندان مناسبی نیستند اگرچه ممکن است بهتر از روستائیان کشورهای دیگر باشند. بهر حال، غلات سهم عمده ای در مصرف آنان دارد، ولی می توان این امید را داشت که در سالهای اخیر بدلیل بالا رفتن توان مالی کشاورزان، وضع تغذیه آنان نیز بهبود یافته باشد. علاوه بر این، مسئله آموزش و وضع سواد در نقاط روستایی هم مطالعه شد که گویای تحولی امیدوارکننده بود.

روشن است که فرایند تلاش به منظور فقرزدایی، دولت ناگزیر باید اقدامات گسترده ای

دریغ گیرد چون تکیه بر نیروهای عرضه و تقاضا در بازار، توسل به سیاستگذارهای کلان اقتصادی به حمایت از مصرف‌کنندگان شهری و کشاورزان بزرگ لزوماً به فقرزدایی نخواهد انجامید. به سخن دیگر، در این زمینه رشد اقتصادی ضروری است ولی کافی نیست. (۲۱) از لحاظ نظری می‌توان استدلال کرد که رشد سریع اقتصادی در درازمدت مشکل فقر را حل خواهد کرد ولی بسیاری از اقتصاددانان براین باورند که طی این دوره، به احتمال قوی فاصله طبقاتی بیشتر و لذا به‌طور موقتی فقر گسترده‌تر خواهد شد. دولت در این زمینه دو اصل را باید پذیرد: نخست آنکه سیاست فقرزدایی به معنای اقتصاد رفاه نیست؛ و دوم آنکه روستاییان فقیر علاوه بر توان تولید، محیط خود را بخوبی می‌شناسند. این دو اصل در حقیقت می‌تواند چارچوب اصلی سیاستهای دولت در روستاها را تعیین کند: اتکای محدود به مکانیسم بازار؛ حمایت از تولیدکنندگان خرده‌پا در برابر نوسانات قیمتها؛ حمایت از آنان در برابر هجوم تولیدکنندگان خارجی؛ تامین وام ارزان‌قیمت ولی کنترل شده؛ عرضه انواع نهاده‌ها، تجهیزات و غیره؛ گسترش هر چه بیشتر اقدامات ترویجی؛ گسترش شبکه‌های زیربنایی و آبیاری و غیره. به‌طور خلاصه، برای فقرزدایی دولت باید به پرداخت یارانه متوسل شود؛ ولی این یارانه‌ای است که علاوه بر تقویت توان تولیدی دهقانان خرده‌پا، کارآیی مکانیسم بازار کالاهای کشاورزی را نیز بالا خواهد برد.

۱- نگاه کنید به Economic Development Institute of the World Bank and Asian Development Bank,

"Poverty Alleviation Through Agricultural Projects", 1992 PP. XVIII - XIX

۲- همانجا.

۳- طبق سرشماریهای عمومی کشور، در سال ۱۳۳۵ جمعیت کل کشور حدود ۱۸/۹ میلیون نفر بود که سی سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۵ به حدود بیش از ۴۹/۴ میلیون نفر رسید. بر طبق برآورد مرکز آمار ایران رقم مزبور در سال ۱۳۷۰ درحد ۵۵ میلیون نفر قرار داشت. نگاه کنید به: سالنامه های آماری کشور.

۴- نگاه کنید به: سیاوش مریدی، سیاست آزادسازی اقتصادی و کشاورزان ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه* ویژه نامه سمینار آزادسازی و توسعه کشاورزی، زمستان ۱۳۷۲

۵- نگاه کنید به: محمدجواد زاهدی مازندرانی، مسائل نظری و شاخصهای عملی قشر بندی اجتماعی در جامعه روستایی، اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۷۳

۶- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری کشاورزی سال ۱۳۶۷، کل کشور جلد ۵، صفحات ده و یازده.

۷- قیمت تضمینی خرید دولت در سال زراعی ۱۳۷۲ - ۷۳

۸- آمارهای مرکز آمار ایران برای سال ۱۳۶۶ نشان می دهد که کشتکاران خرده پا عمدتاً برای مقاصدی غیر از فروش دست به تولید می زنند. طبق این آمارها در محصولات سالانه، بهره برداریهای تا یک هکتار، از یک تا زیر دو هکتار، و از دو هکتار تا ۵ هکتار حدود ۲۹ درصد به منظور خود مصرفی تولید کرده اند در حالی که به ترتیب ۵۰، ۳۴ و ۳۵ درصد همان بهره برداریها کمتر از ۵۰ درصد محصول خود را به منظور فروش تولید کرده اند. برگرفته از مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری کشاورزی روستایی ۱۳۶۶.

9- Cash Crops

۱۰- نگاه کنید به Economic Development Institute of the world Bank and Asian Development Bank,

"Poverty Alleviation Through Agricultural Projects", 1992 P. XIX

۱۱- روشن است که از دهه ۱۳۴۰ این احساس در محافل دولتی عمدتاً ریشه در درآمد ارزی کشور داشت. چون طی دوره ای حدود سه دهه، دولت با تکیه بر درآمد ارزی خود می کوشید هرگونه نقصان در عرضه داخلی (که گاه مانند گندم از واکنش منفی تولیدکنندگان مایه می گرفت) را با افزایش حجم واردات جبران کند. این گرایش دولت از طریق سیاست تشبیتی

اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه فقر و آسیب پذیری روستایی

نرخ ارز در دهه ۱۳۶۰ به شدت تقویت می شد چون گندم وارداتی به نرخ رسمی ارز در آن سالها ارزانتر از تولیدات داخلی بود. برای بیان روشنتر این وضعیت می توان به روند قیمت گندم داخلی و خارجی نیز اشاره کرد: قیمت خرید گندم داخلی از ۲۸ ریال در سال ۱۳۶۰ به ۲۶۰ ریال در سال ۱۳۷۱ افزایش یافت یعنی شاخص آن براساس $100 = 1369$ از عدد $21/5$ به ۲۰۰ افزایش پیدا کرد در صورتی که همین ارقام برای گندم وارداتی در همان سالها به ترتیب ۳۲ و ۱۱۱/۹ بود. نگاه کنید به: وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی، "سیاستهای قیمتگذاری در بخش کشاورزی: محصول استراتژیک گندم"، سال ۱۳۷۲؛ بانک مرکزی ایران اداره تحقیقات و مطالعات آماری، "گزارش مشروح تجدیدنظر شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران $100 = 1369$ "، آبان ماه ۱۳۷۲.

۱۲- نگاه کنید به وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، "سیاستهای قیمتگذاری در بخش کشاورزی: محصول استراتژیک گندم"، سال ۱۳۷۲، جدول ۱۱.

۱۳- همانجا، جدول شماره ۱۲.

۱۴- نگاه کنید به: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری کشاورزی سال ۱۳۶۷، کل کشور صفحات ده و یازده.

۱۵- توجه شود که اگر چه تعداد کل بهره بردارها، تعداد گندمکاران و نیز تعداد جوکاران به تفکیک داده شده است لیکن به دلیل کشت نوآمان این دو محصول که به طور طبیعی موجب محاسبه مضاعف در آمارگیری شده است، نمی توان به دقت تعیین کرد که چند درصد از کل بهره بردارها به کشت این دو محصول اشتغال دارند و چند درصد از کل آنان خرده پا هستند.

۱۶- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری کشاورزی سال ۱۳۶۷، کل کشور، صفحه ده.

۱۷- ضربه پذیری این تولیدکنندگان خرده پا را در برابر تولیدکنندگان خارجی احتمالاً می توان با مقایسه روند قیمت محصول هر گروه در بازار داخلی بیان کرد. آمارهای بانک مرکزی ایران نشان می دهد که براساس سال پایه ۱۳۶۹، شاخص عمده فروشی قیمت برنج داخلی در سال ۱۳۶۰ برابر با $18/7$ بود که طی دهه گذشته پیوسته افزایش یافت و در سال ۱۳۷۱ به رقم $138/1$ رسید؛ یعنی طی یک دوره ۱۲ ساله حدود $7/5$ برابر افزایش یافت؛ در حالی که برنج خارجی طی همین دوره از $73/5$ به رقم ۱۰۰ رسید یعنی حدود ۳۶ درصد افزایش پیدا کرد. نگاه کنید به: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره تحقیقات و مطالعات آماری، "گزارش مشروح تجدیدنظر شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران $100 = 1369$ "، آبان ماه ۱۳۷۲.

۱۸- منابع: (۱) مرکز آمار ایران نتایج آمارگیری کشاورزی، مرحله دوم سرشماری کشاورزی ۱۳۵۳.

(۲) مرکز آمار ایران نتایج تفصیلی سرشماری کشاورزی سال ۱۳۶۷.



(۳) وزارت کشور، سرشماری عمومی کشاورزی ایران ۱۳۳۹، متن انگلیسی. آمارهای این منابع نشان می دهند که در دوره ۶۷ - ۱۳۵۳ گندم نیز از همین ویژگی برخوردار بوده است چون میانگین سطح بهره‌برداریهای آن از ۳/۵۵۵ هکتار به ۳/۰۵۷ هکتار کاهش پیدا کرد.

۱۹. نگاه کنید به : مهندس جلال رسول اف : جمعیت و غذا : تصویری از یک اضطراب ، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۲.

۲۰. نگاه کنید به مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۱، صفحه ۱۲۲.

۲۱. در اینجا می توان به سیاست تعدیل اقتصادی که مبتنی بر اندیشه‌های نوکلاسیکها است اشاره کرد که شماری از اقتصاددانان را در زمینه اتکا به مکانیسم بازار و دخالت نکردن دولت در اقتصاد، به افراط کشانده است. روشن است که در شرایط کنونی ایران که در آن تعداد زیادی در زمره دهقانان خرده‌پا هستند و از اقتصاد بسیار شکننده‌ای برخوردارند، اتکای محض به نیروهای بازار حاصلی جز فقیرتر شدن و نابودی این دهقانان نخواهد داشت.